

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹- آثار عمل صالح

۹-۱) آثار عمل به طور اجمال

به طور اجمالی می‌توان آثار عمل صالح را در دو عنوان کلی طبقه بندی کرد:

۹-۱-۱) آثار خَلْقی: } - آثار دنیوی
- آثار اخروی

۹-۱-۲) آثار معنوی و توحیدی

یک سری از آثار عمل صالح در همین زندگی دنیوی نصیب انسان می‌شود. به طور مثال هر کس به

زیارت کربلای معلی و حرم مطهر امام حسین^(ع) مشرف شود، روزی‌اش زیاد می‌شود. علاوه بر آن، عمل

صالح، آثاری در زندگی اخروی برای انسان به ارمغان می‌آورد، مثل نعمت‌های بهشتی و یا دوری از

عذاب الهی.

از سوی دیگر، عمل صالح یک سری آثار معنوی و توحیدی مثل قرب الی الله در انسان ایجاد

می‌کند که هم زندگی دنیوی و هم زندگی اخروی را متأثر می‌سازد. عمل صالح موجب افزایش مراتب

ایمان و یقین در انسان می‌شود.

۹-۲) آثار عمل صالح به طور تفصیل

اگر کل آیات قرآن را به طور تفصیلی مورد بررسی قرار دهیم، آثار زیر را برای عمل صالح در قرآن خواهیم یافت:

۹-۲-۱) خودسازی: در نگاه اول، عمل به کار اعضاء و جوارح اطلاق می‌شود، ولی همین عمل جوارحی، در روح و نفس انسان سرایت می‌کند و موجب ساخته شدن آن می‌شود که این را «خودسازی» می‌گوییم.

۹-۲-۲) پاداش اخروی: نعمتهای بهشتی و درجات بهشت: در آیات بسیاری پاداش اخروی مثل: جزاء الضَّعْف، یوفِّیهِمْ أجورهم، جَنَّاتٌ تجرى من تحتها الأنهار و ... برای عمل صالح وعده داده شده است. همچنین درجات مختلف بهشت مثل: جَنَّاتٌ، عَدْنٌ، جَنَّاتِ المأوی، جَنَّاتِ فردوس و جَنَّاتِ نعیم به عنوان جایگاه صالحین در زندگی اخروی معرفی شده است.

۹-۲-۳) ولایت الهی و آثار آن: این جایگاه والاترین مقامی است که انسان به آن دست پیدا می‌کند، یعنی تحت توّلی خدا قرار گرفته و از اولیاء الهی می‌شود. «ولی خدا» کسی است که همه چیز و همه‌ی وجودش را از خداوند می‌داند.

در قرآن کریم برای «اولیاء خدا» خصوصیات ذکر شده است:

لَئِنِ اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ (سوره یونس - آیه ۶۲): خوف و حزن در اولیاء

الهی راه ندارد. از سوی دیگر همین خصوصیت برای صالحین نیز ذکر شده است، لذا نتیجه می‌گیریم کسی که عمل صالح را ادامه دهد، از اولیاء الهی خواهد شد.

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

(سوره جمعه - آیه ۶) : این آیه خطاب به یهودیان می‌فرماید، اگر از اولیاء خداوند هستید، آرزوی مرگ

کنید. لذا می‌توان نتیجه گرفت، مسئله‌ی مرگ برای اولیاء الهی حل شده است.

۹-۲-۴) پذیرش توبه و مغفرت و تبدیل سیئات به حسنات

۹-۲-۵) انواع آثار دنیوی

۹-۲-۶) برخورداری از رزق معنوی

۹-۲-۷) افزایش هدایت: انسانی که به انجام عمل صالح موفق می‌شود، تحت هدایت قرار گرفته

است، ولیکن عمل صالح، موجب افزایش هدایت در انسان می‌گردد و هدایت باطنی او بالا می‌رود و

هدایت روی هدایت نصیب او می‌شود.

۹-۲-۸) برخورداری از رحمت اخصّ الهی: دو نوع رحمت برای خداوند تعریف می‌شود.

با توجه به «بسم الله الرحمن الرحيم»، «رحمان»، «مبین» «رحمت رحمانیه» خداوند است که عام

بوده و شامل همه‌ی موجودات اعمّ از نبات و جانوران و نیز تمامی انسان‌ها اعمّ از مؤمن و کافر می‌شود.

امتداد حیات، خود یک رحمت عام الهی است. «رحیم»، معرفّ «رحمت رحیمیّه» خداوند بوده که رحمت

خاصّ خداوند و هدایت باطنی است که فقط انسان‌های مؤمن را در برمی‌گیرد. علاوه بر این، انبیاء و

اولیای الهی مشمول رحمت اخصّ و خاصّ الخاصّ خداوند می‌شوند که مخصوص صالحین می‌باشد.

۹-۲-۹) برخورداری از رستگاری و رهایی از خسران: با توجه به آیات سوره‌ی عصر، نتیجه

عمل صالح، فلاح و رستگاری و دوری از خسران می‌باشد.

۹-۲-۱۰) نیل به حیات طیّبه: « حیات طیّبه » را برخی همین زندگی خوش دنیوی تعبیر کرده‌اند،

ولیکن در قرآن معنی بالاتری را برای آن می‌توان یافت.

۹-۲-۱۱) ارتقاء به درجات والای ایمانی

۹-۲-۱۲) ارتقاء به مرتبه ایقانی صالحین و مجتبین: مراتب یقین، « مصطفین»، « مجتبین»،

«مخلّصین» و ... در اثر عمل صالح به دست می‌آید.

۹-۲-۱۳) تقویت اعتقادات: مستحکم شدن پایه‌های اعتقادات دینی تنها با مطالعه و کتاب خواندن

محقق نمیشود و مستلزم انجام عمل صالح می‌باشد.

۹-۲-۱۴) برخورداری از حالات معنوی، لقاء و مشاهدهی خدا.

آنچه که به طور اجمال و تفصیل در مورد عمل صالح بر شمرده شد، از بررسی کل آیات قرآن

بدست آمده است، که با مرور آیات قرآن و دقّت و تدبّر در معانی آنها، هر کدام از موارد فوق، توضیح و

تبیین خواهد شد.

۹-۳) بررسی تفصیلی آثار عمل صالح در آیات قرآن کریم

✓ سوره بقره - آیه ۲۵:

« وَ بَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ »

در این آیه افرادی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، بشارت داده شده‌اند به: «جَنَّتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»

بنابراین یکی از آثار عمل صالح، داخل شدن حتمی در بهشت و تنعم از نعمتهای بهشتی است.

«جَنَّتٍ» به معنی باغ پر درختی میباشد که سطح زمین را به طور کامل پوشاند. « جَنٌّ » در لغت عرب

یعنی پوشاند. مثلاً میگوییم « جَنُّ اللَّيْلِ » یعنی شب به طور کامل روز را پوشاند. « جَنٌّ » هم موجودی

میباشد که از دیده‌ها پنهان و پوشیده است.

به صالحین باغهای پر درختی در بهشت بشارت داده شده است که از زیر درختان آن، نهرهایی

جاری میباشد. این عبارت کنایه از بهشت میباشد.

هر کس به اندازه عمل صالحی که انجام داده و به اندازه افق عملی، افق فکری و ایمانیاش از

بهشت بهره میبرد. این که در آیات و روایات بهشتهای متعدد ذکر شده یا تعدد قصر و باغهای بهشتی

آمده، دلیل بر بهره‌وری انسان از نعمتهای بهشتی، متناسب با وسعت ایمانی میباشد. و یا اگر بحث

فشار قبر و یا وسعت قبر مطرح است، منظور تنگ یا وسعت پیدا کردن قبر دنیوی و مادی نیست، بلکه اشاره به افق برزخی انسان میباشد که در اثر عملش، تغییر میکند.

برخی ذکر نعمتهای بهستی را فقط سمبلیک و به منظور تشویق انسان به انجام عمل صالح دانسته‌اند، در حالی که اینها بیانی از وسعت ایمانی انسان میباشد.

اینها بیانی از رزق معنوی است که خداوند به واسطه‌ی عمل صالح روزی انسان میکند.

«كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» هر روزی که نصیبشان میشود میگویند این از جنس همان روزی است که قبلاً نصیب ما شده بود.

این آیه بسیار ظریف و زیبا و اشاره به بحث تجسّم عمل است. هنگامی که انسان مؤمن در آخرت نعمت‌های بهستی را می‌چشند، آنها را از جنس و مشابه چیزهایی می‌داند که قبلاً چشیده است. بنابراین آنچه در آخرت نصیب انسان می‌شود، چیز جدیدی نیست، بلکه از جنس همان است که ما در دنیا انجام داده‌ایم.

انسانی که در این دنیا عمل صالح انجام می‌دهد، حظّ ایمانی می‌برد. هنگامی که از نامحرم چشم می‌پوشد و یا از مال حرام اجتناب می‌کند، کم کم شیرینی و حلاوت ایمان را می‌چشد. هنگامی که در آخرت از نعمت‌های اخروی متنعم می‌شود، می‌بیند این از جنس همان حظّ ایمانی بوده که قبلاً در دنیا از آن بهره برده است.

«أَتُوا بِهٍ مُّتَشَابِهًا» به معنای انواع مختلف روزی‌هایی است که نصیب انسان می‌شود.

در ادامه‌ی آیه به عنوان ذکر خاصّ بعد از عام، یکی از این نعمت‌ها را ذکر می‌کند: « وَ لَهُمْ فِيهَا

أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ » این که در آیات قرآن، افعال و ضمائر مذکر به کار رفته است، با توجه

به دستور زبان لغت عربی، از جهت تغلیب می‌باشد و هر جا مذکر به کار رفته، هم مرد مورد نظر است

هم زن، مگر آن که قیدی مشخص شده و قرینه وجود داشته باشد. بنابراین در این آیه همسران پاک، هم

برای زنان و هم برای مردان به عنوان نعمت بهشتی معرفی شده است.

از سوی دیگر رعایت عفت هم در آیات قرآن ملاحظه شده است.

روشن است که در تکامل روح، جنسیت نقش ندارد، که در مباحث بعدی بیشتر توضیح داده

خواهد شد.

✓ سوره بقره - آیه ۶۲:

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّبِيْنَ مَنْ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا

فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ »

در این آیه ابتدا علاوه بر مؤمنین که منظور مسلمانان هستند، از یهودیان (هادوا)، مسیحیان

(نصاری) و صائبین نام برده شده است.

صائبین هم به معنی ستاره پرستان آمده و هم زرتشتیان، که در این آیه منظور، زرتشتیان می‌باشد.

البته آنچه که در ادامه‌ی آیه ذکر شده، نصیب اهل کتابی می‌شود که در زمان خودشان، به مبانی

اعتقادی دین خود، پایبند بوده‌اند. برداشت برخی این است که این آیه شامل اهل کتاب در هر زمانی

می‌شود، در حالی که به قرینه در آیات دیگر، می‌توان فهمید این برداشت اشتباه است.

این آیه می‌فرماید، پیروان هر دینی اگر به خداوند و روز قیامت ایمان داشته باشند و عمل صالح

انجام دهند (مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا)، در نزد خداوند مأجور خواهند بود.

اجری که در این آیه برای عمل صالح، در نظر گرفته شده است اجر خاصی می‌باشد: «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ

عِنْدَ رَبِّهِمْ»

در آیات دیگری از قرآن، مشابه این عبارت آمده است:

- در سوره آل عمران - آیه ۱۶۹ در پاداش شهدا و افرادی که در راه خداوند کشته شده‌اند

خداوند می‌فرماید: «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

- در سوره قمر آیات ۵۴ و ۵۵، برای متقین چنین جایگاهی در نظر گرفته شده است: «إِنَّ

الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴)، فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵)»

- «عِنْدَ رَبِّهِمْ» مقامی بالاتر از «عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» می‌باشد و مبین همان شهود و ملاقات

خداوند می‌باشد. یعنی کسی که عمل صالح انجام دهد، کم کم به جایی می‌رسد که خداوند را

شهود می‌کند.

مقام و جایگاه «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» نیز پاداش عمل صالح می‌باشد. قبلاً هم این

مقام را برای اولیاء الهی، توضیح دادیم.

«خوف» بیان هراس از آینده و «حزن» هراس از گذشته می‌باشد. کسی که عمل صالح انجام دهد،

هیچ هراسی از گذشته و آینده ندارد، هیچ غم و غصه‌ای ندارد، چرا که به خداوند متصل شده است.

خوف به شکل نکره بدون «ال» آمده که معنای کلیت را می‌رساند. یعنی هیچ گونه هراس و ترسی نسبت به گذشته و آینده در وجود آنها وجود ندارد.

عمل صالح یک سری آثار دنیوی دارد و یک سری آثار اخروی. ولی برخی آثار آن معنوی و توحیدی است که خاص دنیا و یا آخرت نمی‌باشد. آنچه که در این آیه به عنوان اثر عمل صالح ذکر شده، از جمله آثار توحیدی می‌باشد که هم در زندگی دنیوی و هم در زندگی اخروی شامل صالحین می‌شود.

✓ سوره بقره - آیه ۸۲:

« وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ »

« اصحاب الجنة » یعنی این‌ها همدم بهشت هستند و یکسره وارد بهشت می‌شوند.

✓ سوره بقره - آیه ۱۶۰:

« إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ »

عمل صالح، زمینه‌ی پذیرش و قبول توبه می‌باشد.

توبه یعنی رجوع و بازگشت. در واقع فرآیند توبه دارای سه مرحله است: اول رویکرد و بازگشت خداست به طرف بنده که او را به سوی خود باز می‌گرداند و توبه را به دلش می‌اندازد. (گر کشش نبود از آن سو، چه سود کوشیدن) ابتدا کشش، جذب و رجوع الهی به انسان است که او را به وادی توبه می‌کشاند. مرحله‌ی دوم توبه انسان و بازگشت او به سوی خداوند است. و در نهایت این خداست که مجدداً به انسان توجه می‌کند و توبه‌ی او را می‌پذیرد.

خدا به انسان توجه می‌کند تا انسان توفیق توبه پیدا کند و در نهایت این خداوند رحیم است که

توبه را می‌پذیرد و عمل صالح زمینه‌ای است برای این پذیرش.

جهت تبیین موضوع به سوره‌ی توبه - آیه ۱۱۸، توبه خواهیم کرد: «... ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ

اللَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

در این آیه سه بار عبارت توبه، آمده است. ابتدا می‌فرماید خداوند به سوی آنها رجوع می‌کند

«تاب» تا آنها توفیق توبه پیدا می‌کنند «لِيَتُوبُوا» و در نهایت این خداوند است که توبه را می‌پذیرد: «إِنَّ

اللَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

در این عبارت، نکات ظریفی وجود دارد. «تَوَّابٌ» صیغه‌ی مبالغه و یعنی بسیار توبه‌پذیر. یعنی هر

بنده‌ای که به خداوند رو کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد. آوردن عبارت «رحیم» در کنار «تَوَّابٌ» نشان

می‌دهد، بازگشت به سوی خداوند، از رحمت خاص خداوند به بندگان مؤمنش می‌باشد. علامه

طباطبایی^(ره) می‌فرماید هر توبه‌ای از سوی بنده، محفوف و پیچیده شده به دو توبه از سوی خداوند، یکی

قبل از آن و یکی بعد توبه و این مطابق است با رحمت خاص و رحمت رحیمی‌ی خداوند.

البته اگر بخواهیم این معنا را گسترش دهیم، در هر کار نیک و هر عمل صالحی، قبل و بعد آن

خداوند حضور دارد، ولیکن در خصوص توبه در این آیه صریحاً تأکید شده است.

در آیه‌ی مورد نظر نیز می‌فرماید: هر کس توبه کند و عمل صالح انجام دهد، خداوند به آنها رو

می‌کند و توفیق توبه و انجام عمل صالح به ایشان می‌دهد. لذا در نتیجه‌ی عمل صالح، خداوند به انسان

توجه کرده و عمل صالح او را می‌پذیرد.

در انتهای آیه خداوند می‌فرماید: «أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

این عبارت اوج لطف خداوند به بندگان را می‌رساند. در آیاتی که صیغه‌ی مفرد به کار رفته، یعنی

خود خداوند و بدون واسطه، در مقابل بنده قرار می‌گیرد. خدایی که بسیار توبه‌پذیر است و کارش

پذیرفتن دائمی توبه‌ی بندگان است و رحمت خاص به بندگان دارد، به بنده‌ای که عمل صالح انجام

دهد، بدون واسطه رو می‌کند. چه لطف و چه محبتی از این بالاتر؟! چنین عباراتی در قرآن کم مشاهده

می‌شود. مورد دیگر آن در سوره‌غافر-آیه ۶۰ می‌باشد: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...» خود خداوند، بدون

واسطه دعوت کسانی که او را می‌خوانند، اجابت می‌کند.

این لطف و رحمت خاص شامل کسانی می‌شود که: « تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُّوا » یعنی توبه کنند و

به سوی خداوند بازگشت کنند و اصلاح کنند (به دو معنی است: یا گذشته‌ی خویش و اشتباهاتشان را

اصلاح کنند و یا کار صالح و شایسته انجام دهند) و دقیقاً اشتباه خویش را مشخص کنند.

اگر بنده‌ای چنین کرد، خداوند به او رو می‌کند: « أَتُوبُ عَلَيْهِمْ » و با رحمت خاص خودش، توبه‌ی

او را می‌پذیرد: «وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

✓ سوره بقره- آیه ۲۷۷:

« إِنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ ءَاتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَآ هُمْ يَحْزَنُونَ »

در این آیه ذکر خاص بعد از عام می‌باشد و از بین اعمال صالح به نماز و زکات اشاره شده است و یا اینکه (چنانکه علامه طباطبایی ^(ره) در موارد متعدد از میزان فرموده‌اند) نماز و زکات نمادِ کلِّ اعمال عبادی و اجتماعی بوده و همه آنها را شامل می‌شوند.

✓ سوره‌ی آل عمران - آیه ۵۷:

« وَ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ »

«توفی» یعنی به طور کامل و تمام. در این آیه خداوند می‌فرماید کسانی که عمل صالح انجام دهند.

اجر و پاداش آنها به طور کامل و تمام، داده می‌شود.

که به احتمال زیاد در این آیه، منظور اجر اخروی می‌باشد.

✓ سوره‌ی آل عمران - آیه ۸۹:

« إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ »

در این آیه نیز رحمت خاص و مغفرت خداوند، برای کسانی که عمل صالح انجام دهند در نظر

گرفته شده است. خداوند در پاداش عمل صالح، روی گناهان و تمام کارهای زشت آنها سرپوش

می‌گذارد و همه را نادیده می‌گیرد و به کلی می‌زداید. « غفور» هم مثل « تواب»، صیغه‌ی مبالغه است،

یعنی بسیار آمرزنده است و مدام می‌آمرزد.

✓ سوره‌ی نساء - آیه ۵۷:

« وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ

فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا »

کسانی که عمل صالح انجام دهند، حتماً وارد بهشت خواهند شد. و به عنوان ذکر خاص بعد از عام «أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ» را طرح نموده است. « وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا » یعنی سایه‌ای که همواره سایه‌گستر است.

برخی آن را به معنی باغ‌هایی دانسته‌اند که از گزند آفتاب به طور کلی در امان است. ولی معنای آن بسیار بالاتر است. یعنی در سایه‌ی خود خداوند به نحوی که غیر از خداوند چیز دیگری را نمی‌بیند. در دعای شب مبعث داریم: « وَ اجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ » خدایا استراحتگاه ما را در نزد خودت و در تحت سایه‌ی گسترده خودت قرار بده. « ظِلِّ ظَلِيلٍ » یعنی در این دنیا و در آخرت در زیر سایه الهی قرار می‌گیرند به نحوی که به جز خداوند کس دیگری را نمی‌بینند.

✓ سوره‌ی نساء - آیه ۱۲۴:

« وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ

نَقِيرًا »

در این آیه به مرد و زن به طور جداگانه اشاره شده است: « مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ » ملاک

ایمان است و زن و مرد تفاوتی ندارد.

« وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا »: «نقیر» به معنی نخ پشت هسته خرما و کنایه از چیزهای بسیار کوچک

می‌باشد. یعنی هیچ ذره‌ای ظلم واقع نمی‌شود.

✓ سوره‌ی نساء - آیه ۱۲۹:

«... وَ إِنِ تَصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا »

اگر عمل صالح انجام دهید و تقوا پیشه کنید، مغفرت و رحمت خاص خداوند شامل حال شما

می شود.

✓ سوره ی نساء - آیه ۱۴۶:

«إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ

يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»

مشابه آیاتی است که قبلاً توضیح دادیم. « وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» به علت بیان

«سوف» که دلالت بر آینده دارد، معلوم است که اشاره به اجر اخروی دارد.

✓ سوره ی نساء - آیه ۱۷۳:

«فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ...»

عبارت جدیدی که در آیه مشاهده می شود « يَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ» می باشد، که بیشتر توضیح داده

می شود.

گاهی انسان اجر کاری که انجام می دهد را به طور تمام و کامل دریافت می کند: « فَيُوَفِّيهِمْ

أُجُورَهُمْ» و گاهی خداوند از روی فضل خودش، این اجر را می افزاید و بیش از آنچه که حق اوست،

می دهد: « يَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ» « فضل» یعنی اضافی و بیش از اندازه.

برای توضیح بیشتر به سوره ق - آیه ۳۵ توجه کنید: « لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» کسانی

که مؤمن واقعی باشند در بهشت هر آنچه که بخواهند واراده کنند بر ایشان مهیاست، و حتی بیشتر از آن.

ممکن است مواردی باشد که به فکرشان نرسد و اراده نکنند، ولی همان نیز برای آنها در نزد خداوند آماده می‌باشد.

گاهی پاداش انسان مؤمن، هر چه که اراده کند، در نظر گرفته می‌شود، ولی باز هم نعمت‌هایی وجود دارد که ممکن است به ذهن او خطور نکند. خداوند از روی فضل خود، آنها را نیز به آن مؤمنین خاص که عمل صالح خاص انجام می‌دهند، عنایت می‌کند.

✓ سوره‌ی مائده - آیه ۹:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ»

مغفرت و اجر عظیم اخروی، پاداش کسانی است که عمل صالح انجام می‌دهند.

✓ سوره‌ی مائده - آیه ۳۹:

«فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

این آیه نیز به مرحله‌ی سوم توبه و بازگشت خداوند به سوی بنده، اشاره می‌کند و باز هم صفت

«غفور» و «رحیم» به کار رفته است.

استفاده از صفات الهی در آیات قرآن همه با دلیل و حکمت است و تناسب کامل با صدر آیات

دارد.

✓ سورهی مائده - آیه ۶۹:

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِقُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ »

✓ سورهی انعام - آیه ۴۸:

« وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ »

این دو آیه اخیر مشابه هم می‌باشد و قبلاً توضیح داده شد. نکته‌ی مهمی که از این آیات می‌توان فهمید، این است که راه اولیاء الله شدن، عمل صالح است. غیر از این، در هر جا و از هر کسی قابل قبول نیست و نباید پذیرفت.

« ابویزید بسطامی » آوازه‌ی استادی را در سیر و سلوک شنید و به قصد شاگردی او راه افتاد. در اولین برخورد دید که آب دهان روی سنگفرش مسجد انداخت. گفت: « اگر او را قدمی در طریقت بودی، خلاف شریعت به جای نیاوردی » و از همان جا بازگشت.

التزام به عمل صالح بسیار مهم است. در رساله‌ی سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم، تأکید شده است به مشاهدات عرفانی افراد تکیه نکنید، شاید موقت باشد، مهم التزام به عمل صالح است.

✓ سورهی اعراف - آیه ۳۵:

«... فَمَنْ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

قبلاً توضیح داده شد.

✓ سورهی اعراف - آیه ۱۷۰:

«وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ»

«مصلحین» کسانی هستند که نه تنها عمل صالح انجام می‌دهند، بلکه به جایی رسیده‌اند که

دیگران را نیز به عمل صالح وادار می‌کنند.

در این آیه دو خصوصیت برای «مصلحین» ذکر شده است:

تمسک به قرآن و به پای داشتن نماز.

✓ سورهی اعراف - آیه ۱۹۶:

«إِنَّ وِلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»

این آیه را قبلاً هم مورد توجه قرار دادیم. آیه‌ای است که از زبان پیامبر اکرم (ص) می‌باشد.

بالاترین جایگاهی که نصیب صالحین می‌شود، تولی الهی و راه یافتن به ولایت الهی است که این مقام در

این آیه برای پیامبر اکرم (ص) تصریح شده است و از همین رو استدلال کردیم مقام و رتبه‌ی صالحین در

مورد پیامبر اکرم (ص) بسیار بالاتر از رتبه‌ی پیامبران دیگری مثل ابراهیم، یوسف و سلیمان علیهم السلام

می‌باشد و آنها آرزو داشتند که به این جایگاه راه یابند.

« لاخوفٌ عليهم و لا هم يحزنون » که در آیات قبلی اشاره شد، نتیجه‌ی ورود به این جایگاه

است.

لذا راه ولی الله شدن، فانی شدن در خداوند، سرایت کردن توحید به تمام وجود، عمل صالح

است. راهی جز انجام عمل صالح وجود ندارد. عمل صالح، اخلاق صالح و در نهایت وجود صالح است

که انسان را به مقام ولایت می‌رساند.

✓ سوره‌ی توبه - آیه ۱۲۰:

«...إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

از این آیه ارتباط بین «محسنین»، «احسان» و «صالحین» استفاده می‌شود. کسی که عمل صالح

انجام دهد، از «محسنین» خواهد بود.

✓ سوره‌ی یونس - آیه ۹:

« إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ

النَّعِيمِ»

این آیه بحث بسیار زیبایی دارد. هر کس می‌خواهد هدایت شود، از درون متحول شود و سیر و

سلوک معنوی پیدا کند، راهش عمل صالح است.

خداوند یک بار انسان را هدایت می‌کند به عمل صالح، هدایت می‌کند به ایمان. ولی عمل صالح

موجب می‌شود تا خداوند هدایت روی هدایت نصیب انسان شود. این می‌شود هدایت خاص یا هدایت

أخص و راه دستیابی به آن عمل صالح است.

تعبیری مشابه در آیه دیگری نیز آمده است: « یا ایها الذین آمنوا، آمنوا » ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید. اینجا هم اشاره به ایمانی بالاتر از ایمان قبلی است. کسانی که ایمان آورده و مسلمان شده‌اند، مشمول هدایت خداوند بوده‌اند. ولی ایمان بالاتر و بیشتر، خود هدایتی افزون بر هدایت قبلی می‌باشد.

ابزار هدایت، همان عمل صالح است: « إن الذین آمنوا و عملوا الصالحات، یمهدیم ربهم بایمانهم. »

«جنات النعیم» بالاترین مرتبه‌ی بهشت می‌باشد، لذا جایگاه کسانی است که به بالاترین مراتب صالحین که همان ولایت الهی است، راه یافته‌اند. بنابراین، «جنات النعیم» بالاترین مرتبه‌ی بهشت می‌باشد، لذا جایگاه کسانی است که به بالاترین مراتب صالحین که همان ولایت الهی است، راه یافته‌اند. بنابراین، «جنات النعیم»، بهشت ولایت می‌باشد و جایگاه «اولیاء الهی» است؛ آنهایی که به مقام ولایت راه یافته و هر چیز غیر خداوند از ذهن آنها پاک شده است. چنین افرادی به جنت ولایت راه می‌یابند که نامش همان «جنات النعیم» می‌باشد.

در سوره‌ی فاتحه ما از خداوند می‌خواهیم که: « اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم... »

در اینجا دو سؤال مطرح است:

(۱) کسانی که خداوند به آنها نعمت داده چه افرادی هستند؟

(۲) این نعمت، چه نعمتی است؟

در پاسخ سؤال اول اشاره می‌کنیم به سوره نساء - آیه ۶۹ که: نَبِیِّنَ، صَدِیْقِیْنَ، شَهِدَاءَ وَ صَالِحِیْنَ

به عنوان مُنْعَمٌ عَلَیْهِمْ معرفی شده‌اند.

و در پاسخ سوال دوم باید گفت منظور از نعمت، نعمت ولایت است.

علامه طباطبایی^(ره) در توضیح این مفهوم به سوره‌ی تکاثر اشاره فرموده‌اند.^۱

- اَلْهَتَّكُمُ التَّكَاثُرُ: «الها» از «لهو» می‌آید یعنی: تکاثر و زیاده خواهی شما را سرگرم کرده است.

- حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ: تا زمانی که نزدیک قبر شوید و مرگتان را رسد.

- كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ - ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

هرگز این گونه ادامه پیدا نخواهد کرد و به زودی خواهید دانست چه اتفاقی خواهد افتاد.

- كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقِیْنِ - لَتَرَوُنَّ الْجَحِیْمَ

اگر علم یقین داشتید، همین حالا آتش سوزان جهنم را ملاحظه می‌کردید.

- ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَیْنُ الْیَقِیْنِ: با عین یقین آن را مشاهده می‌کردید.

- ثُمَّ لَتُسَلَّنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیْمِ

در آنجا و در آن روز حتماً از نعیم و نعمت‌های الهی از شما پرسش خواهد شد. این نعیم، به

چه معناست؟

علامه طباطبایی^(ره) می‌فرمایند، «تکاثر» در ابتدای آیه و «نعیم» در انتهای آیه متضاد یکدیگرند و

«تکاثر» باعث می‌شود انسان به «نعیم» نرسد.

^۱ این توضیح، در تفسیر المیزان نیامده است. ولیکن در کتاب «مهر تابان» که مجموعه‌ی مباحثات علامه طباطبایی^(ره) با شاگردشان، علامه حسینی تهرانی^(ره) می‌باشد، به این موضوع اشاره شده است.

برای تبیین «نعیم» به روایتی بسیار زیبا از امام رضا ^(ع) از کتاب «عیون اخبار الرضا ^(ع)»^۱ توجه خواهیم کرد: راوی می‌گوید، نزد علی بن موسی الرضا ^(ع) بودم که ایشان به من فرمودند: «لَيْسَ فِي الدُّنْيَا نَعِيمٌ حَقِيقِيٌّ» در دنیا نعمت حقیقی وجود ندارد.

بعضی از فقها که در آن جلسه حاضر بودند به آن حضرت عرض کردند، خداوند خودش در قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». این فقها با استدلال به این آیه گفتند: «أما هذا النعیم فی الدنيا و هو الماء البارد» (معلومه که ما در این دنیا نعمت داریم که خداوند در آن دنیا بازخواست می‌کند، و به عنوان مثال از این نعمت‌ها، آب گوارا و خنک مطرح کردند)

امام رضا ^(ع) با صدای بلند به این گونه تفسیر قرآن اعتراض کردند (قال له الرضا ^(ع) و علا صوتَه) و فرمودند:

كَذَا فَسَّرْتُمُوهُ أَنْتُمْ وَ جَعَلْتُمُوهُ عَلِيَّ ضَرْبٍ، فَقَالَتْ طَائِفَةٌ هُوَ الْمَاءُ الْبَارِدُ وَ قَالَ غَيْرُ هُمْ هُوَ الطَّعَامُ الطَّيِّبُ وَ قَالَ آخَرُونَ هُوَ النَّوْمُ الطَّيِّبُ.

این چنین با گستاخی قرآن را تفسیر کرده و وجوه مختلف برای آن در نظر گرفته‌اید، گروهی آب خنک، برخی دیگر غذای خوب و دیگران خواب خوب را بیان می‌کنید.

تا جایی که امام رضا ^(ع) می‌فرمایند:

منظور از «نعیم»، نعمتی است که هیچ موقع و تحت هیچ شرایطی، مورد زوال قرار نمی‌گیرد و آن ولایت ماست.

^۱. «عیون الرضا ^(ع)» تألیف مرحوم شیخ صدوق ^(ص) می‌باشد که در آن احادیث ناب و برجسته و چشمگیر امام رضا ^(ع) جمع آوری شده است.

و سپس توضیح می‌دهند که ولایت ما، با ولایت خداوند هیچ تفاوتی ندارد.

توضیح آنکه: گاهی ولایت ائمه^(ع) به معنی دوست داشتن آنها و پذیرش ایشان به عنوان امام و این

که حق با ایشان است می‌باشد. و گاهی هم معنای بالای ولایت مورد نظر است، یعنی که با تمام وجود،

غیر از خداوند در وجود آنها راه ندارند و خداوند حاکم بر آنهاست.

از آن جایی که ولایت خداوند در وجود ائمه علیهم السلام تجلی کرده، بنابراین ولایت خداوند با

ولایت آنها تفاوتی ندارد.

بنابراین به طور خلاصه در سوره ی فاتحه از خداوند می‌خواهیم که در صراط کسانی باشیم که

خداوند به ایشان نعمت داده است و این افراد در سوره ی نساء معرفی شده اند.

در سوره ی تکاثر، بین نعیم در ذیل سوره و تکاثر در صدر سوره تضادّ وجود دارد لذا می‌فهمیم که

منظور از نعمت، یک نعمت غیر متکثر است، نعمتی که تکاثر در آن راه ندارد و آن توحید و ولایت

می‌باشد.

چرا که تکاثر، راه‌یابی ذهن به هزاران راه مختلف می‌باشد و در مقابل آن ولایت قرار می‌گیرد که

در آن ذهن فقط و فقط در خداوند متمرکز می‌شود، که ائمه^(ع) مصداق واقعی این ولایت هستند.

تجلی ولایت در آخرت، جنات النعیم می‌باشد و همان‌طور که ولایت بالاترین رتبه‌ی صالحین

است، جنّات النعیم نیز بالاترین مرتبه‌ی بهشت می‌باشد که جایگاه مقربین، مخلصین و اهل ولایت است.

نکته:

همان طور که ملاحظه شد، روش ما در تفسیر موضوعی قرآن کریم، جستجو و کنکاش دقیق در تمام آیات قرآن می‌باشد. همان روشی که علامه طباطبایی^(ع) در تفسیر المیزان ارائه فرموده و به این ترتیب حق بزرگی بر تشیع دارند. عقاید شیعه را از لابه‌لای آیات قرآن استخراج و بیان کرده‌اند به نحوی که مورد پذیرش هر مسلمانی با هر عقیده‌ای قرار می‌گیرد.

در تفسیر قرآن این گونه نیست که ما فقط یک آیه از قرآن را در نظر گرفته و بخواهیم تمام مفاهیم را از همان آیه استخراج کنیم، بلکه باید کل آیات قرآن را مورد مطالعه قرار دهیم تا همه‌ی ابعاد یک موضوع مورد توجه قرار گیرد.

خدایا به محمد و آل محمد^(ص)، ما را از متولیان به ولایت خودت قرار بده.

آمین